

بسم الله الرحمن الرحيم

کرسی آزاد اندیشی

ضرورت بحث: جنبش نظم نوین جهانی، جهانی سازی

جریان و ادعاهای دروغین که در کشور های اسلامی به خصوص در ایران نفوذ کرده اند. شاید امثال ما الگوی درستی بیان نکردیم و خیلی دلایل دیگری وجود دارد. برای رشد این مساله ما به عنوان پژوهش گر اسلامی باید عمق مساله را بدانیم تا بتوانیم جریان شناسی کنیم.

خیلی از مذهبی های ما عاشق عرفان هستند که چرا خدا ما را نمی بیند و... دیگران هم خیلی سریع این افراد را جذب می کنند.

جهانی شدن، جهانی سازی

آیا این دو با هم تفاوت دارند؟

جهانی شدن یک پرسه است. یعنی یک جریان است و جهانی سازی یک چیز هدفمند و اردی اسن با یک هدف خاص و از پیش تعیین شده است. به نظر ما هر دو یک جریان هدفمند است که استکباری است. جهانی شدن فرآیند است، یعنی مرحله مرحله است.

تاریخ اصطلاح جهانی شدن به دهه ۵۰ و سالهای اول دهه ۶۰ میلادی می رسد. یعنی حدود ۶۰ سال است که دارد انجام می شود.

اصول و مبانی: جامعه شناسی، مردم شناسی، علوم انسانی با دیدگاه غربی.

کتاب الموافقات: کتابی است که آیات زیادی را جمع آوری کردند در تایید عمر اصول و مبانی

اومانیسم: یعنی انسان گرایی، این در همه موارد یک اصل است، انسان محور است و اصالت فقط به انسان داده می شود پس انسان مقدم به هر چیز است. اصل این است که در انسان باید آرامش باشد. (مشترکات ادیان مختلف را گرفته و خیلی زیرکانه عمل می کنند.) وقتی اصل تو شدی، آرامش تو شدی، و... کم کم شریعت و دین کنار می رود چون دست و پای انسان را می بندد.

اعتقاد پیروان اهل بیت: تو به میزان نزدیکی به امام و پیروی از امام در راه حق. او ملاک حق است. الحق مع علی و علی مع الحق. ملاک حقانیت، ولایت است.

در نگاه قرآن یا نور داریم یا ظلمت، خاکستری نداریم. نمی شود هم با خدا بود و هم با شیطان. یا خدا یا شیطان.

در مسیر انسان محوری دارد آرامشی می دهد، نه خدا محوری در آخر به جایی می رسد که بشریت را کنار می گذاریم. فطرت مثل گنج نهان است که میتوان به کار برد یا نبرد. اما همین فطرت مدام به ما نهیب می زند اما با اراده خود می توان توجیه کرد.

فطرت حرف خداوند است، اما اومانیسیم حرف انسان است.

ما برای آدم شدن باید آن چیزی را که داریم کشف کنیم و راه کشف شدن آن ولایت است.

بنای دوم لیبرالیسم: با هر چه که انسان را محدود کند مخالف است. با هر چه که با آزادی انسان در تضاد باشد مخالف است.

مبنای سوم: سکولاریسم: دین گریزی، عرضی گردی: همه انجام می دهند تو هم انجام بده. در همین جهان زندگی کن، تو برای همین جهانی، دین مال جهان دیگری است، برای آخرت است، با قواعد دنیا زندگی کن. (جدایی دین از دنیا).

ما می گوئیم آخرت و دنیا یک چیز است، از هم جدا نیست، مثل سطح و عمق است. سکولار می گوید این دو کار از هم جدا هستند.

نگرش سکولار به حذف نقش دین است.

بعضی ها می گویند اسلام هم راجع به جهانی شدن صحبت می کند. از نظر ما جهانی شدن یعنی جهانی شدن ولایت توحید است اما در گفته آنها اصلاً منظور این نیست. فقط این دو شرک لفظی هستند.

پروژه دین نوین جهانی چیست؟ دین نوین جهانی اصل بحث است، بخشی از همان مبانی است که بیان شده، مقدمه ای است برای سیاست نظم نوین جهانی. دین جدید نیست بلکه ماهی در سه مرحله سعی میکند جوامع را دچار آشوب باور ها کند.

سازمانی است به نام بین المللی ادیان در آمریکا کلی از متخصصان و دکترای دین شناسی ادیان مختلف هستند و دارند روی این موضوع کار می کنند.

نوشته بود: ما متناسب با اهدافمان باور های مختلف را جمع می کنند و بعد مشترکات آن را جمع می کنند و بعد در قالب زیبایی که همه جوامع آن را بپذیرند می ریزند: دین خدمت به خلق است. از نظر ما هم یکی از شاخه های دین خدمت به خلق است، نه همه دین.

اما آنها میگویند دین= خدمت به خلق. یعنی چیزهای دیگر دین را کنار بگذارید.

۱= آشوب باور ها ۲= تثبیت مفاهیم اولیه ۳= معرفی نظام نوین ارزشی

این سه کار را انجام می دهند.

اعتقاد افراد را خیلی نرم و آهسته مورد هدف می گیرند و بومی سازی میکنند و در آخر تثبیت در ذهن آنها شکل می گیرند.

هدف آنان این است که جهان را دهکده ی جهانی کند که یک کدخدا دارد و بر همه چیز تسلط و استعمار داشته باشد.

گزاره های اعتقادی جنبش جهانی:

۱ یک روح مقدس در همه ی اجزای جهان جریان دارد اعم از حیوانات گیاهان و دریا ها و خشکی ها و...

انرژی درمانی یا فرا درمانی یا عرفان حلقه به شیعه می گوید جبرئیل، به مسیح میگه روح القدس و سرشاخه های آن نیز به جن وصل هستند که همه زیر سر اسرائیل است بعد همه شاگردان را آرام آرام به آنجا می رسانند.

اول حرف از خدا و دین است اما کم کم حذف می شود. تا شیطان و اولیای شیطان را نپذیری اصلاً نمی توانند بر تو مسلط شوند.

در آخر از تو امامت و ولایت و توحید را می گیرد اما به تو نمی گوید.

ملکوت:

اولیا: تحت امامت حق

سفلی: تحت امامت شیطان است چون شیطان در قوه وهم می تونه اثر بگذارد تا جایی که تو به ولایت شیطان اعتقاد داری و می تواند در تو تاثیر بگذارد.

تو خودت برای آرامش خودت کافی هستی چون جبرئیل در تو هم هست نیازی به خدا نداری یعنی اومانیسم نور مقدس وجود مشخص ندارد، شور مطلق است. حرف از خدا نمی زند چون بعد از آن حرف از امامت و ولایت و هدایت می شود. می خواهد اینها نباشد پس این را کنار می گذارد و نامش را می گذرد کائنات یا شور کیهانی. روح مقدس جبرئیل آهنگ مستی را می نوازد، حرکت اجزای جهان رقص و توازن است که تناسب با آن آهنگ است که در این صورت تو آرام می شوی.

خطبه ۷ نهج البلاغه: شیطان در تو تخم ریزی می کند.

روزی ۳ بار سوره مبارکه ناس.

ذکر الهی مجرای راه شیطان را می بندد

راه سعادت تو هماهنگی با طبیعت ذی شعور است. شناخت طبیعت همراه شدن با آن کلید خوشبختی است. اکثرا به قاعده تناسخ قائل هستند که انسان پس از مرگ جان آن شود روح القدس بر می گردد و جان رفته در چرخه طبیعت بر می گردد.

روح مقدس تبادل را تضمین میکند. گاهی برای تعادل لازم است روح مقدس مشخص شود و در کالبد طبیعی حلول کند تا با آموزش دیگر انسان ها ضامن بقاء تعادل در جهان باشد. (تعبد در مسیحیت)

هر کسی که قدرت و توانایی داشت حق نیست اگر برای هر کاری بسم الله بگیریم و اعوذ بالله بگوییم و خودمان را در پناه خدا قرار دهیم.

اعوذ بالله و همزات الشیطان روزی ۱۰ بار صبح و شب تعقیبات نماز صبح است.

ملاک حقانیت تبعیت لز توحید و نبوت و امامت است. اگر جدای از قرآن و عترت کسی قدرت داشت حتما بیرون از حق است.

۴ قل را طوری بخوانیم که دو دست را جلوی صورت بگیریم و بخوانیم و به طورت بکشیم طلسم باطل می شود.

هر روز آمنت بالله توکلت علی الله بگو از خانه بیرون برو.

در باقیات صالحات آمده که چطور همزات شیطان در انسان اثر نکند.

هر انسانی روح مقدس را باید در خود جستجو کند، بیرون از تو راهی نیست، منتظری امام بیاد؟!!

هماهنگی و تعادل با طبیعت سلامت کالبد را به همراه دارد.

خود درمانی و سلامت جسم و کالبد نیز از آموزه های دین نوین جهانی است.